

زندگی در شهری دفاع

فضاهای بی‌دفاع شهری در وقوع و گسترش خشونت بی‌تقصیر نیستند.



زمینه‌های ظهور خشونت شهری چگونه ایجاد می‌شوند؟

زندگی در شهر بی‌دفاع

فضاهای بی‌دفاع شهری در وقوع و گسترش خشونت بی‌تقصیر نیستند.

این فضاها را می‌توان به دو دسته فیزیکی و اجتماعی تفکیک کرد که باعث مستعد شدن فضاها برای وقوع خشونت می‌شوند. از دیدگاه طراحان شهری و معماران، ویژگی‌های فیزیکی و از دیدگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و روانشناسی، ویژگی‌های اجتماعی بیشتر در مستعد کردن فضاها جهت وقوع خشونت نقش دارند.

امروزه خشونت و ترس از خشونت، به‌عنوان نگرانی‌ای فراگیر در تمام جوامع مطرح شده است. نفوذ خشونت در زندگی روزمره در بسیاری از کشورها و شهرها به یک واقعیت تبدیل شده است؛ چنان‌که با عناوین خشونت بومی، رایج و حتی رها شده توصیف می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست‌های دستگاه‌های مبارزه با خشونت که اغلب به‌طور مستقیم بر مجرم تمرکز دارند، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و این امر موجب توجه به ابعاد تأثیرگذار بر وقوع خشونت و عوامل زمینه‌ساز شده است. یکی از عوامل تأثیرگذار که در دهه‌های اخیر مورد توجه شهرسازان، جامعه‌شناسان و روانشناسان محیطی قرار گرفته است، فضاهای شهری و بالطبع فضاهای بی‌دفاع شهری هستند. شاید بتوان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت وجود دارد، اما خشونت‌ها در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند؛ چرا که فضاهایی با عنوان آلوده یا بی‌دفاع، محل اتفاق افتادن انواع و اقسام خشونت‌ها هستند، درحالی‌که در محل‌های دیگر هیچ‌گونه خشونتی رخ نمی‌دهد یا خشونت کمتری رخ می‌دهد.

می‌توان گفت که عوامل عمومی با توجه به نوع خشونت دارای تأثیر و نقش چندانی نیستند؛ به بیانی دیگر، فضاها را مستعد نوع خاصی از خشونت نمی‌کنند، بلکه بدون توجه به نوع خشونت، بی‌دفاع می‌کنند. همچنین عوامل نیمه عمومی نیز در سطح و شدت کمتر مانند عوامل عمومی عمل می‌کنند اما عوامل اختصاصی دارای نقش و تأثیر زیادی در بی‌دفاع کردن فضاها نسبت به نوع خاصی از خشونت هستند و فضاها را بیشتر از آنکه فقط مستعد خشونت سازند، مستعد نوع خاصی از خشونت می‌سازند و موجب تفاوت نوع خشونت‌های حادث شده در فضاهای مختلف می‌شوند. همچنین عوامل نیمه‌اختصاصی نیز در سطح و شدت کمتر، مانند عوامل اختصاصی عمل می‌کنند. بنابراین عوامل عمومی و نیمه‌عمومی اصلی شدت‌دهنده به بی‌دفاع بودن فضاها و عوامل نیمه‌اختصاصی و اختصاصی اصلی جهت‌دهنده به بی‌دفاع شدن فضاها به نوع خاصی از خشونت هستند.

خصوصیات خشونت شهری

نخستین خصوصیت خشونت شهری را باید در فراوانی نسبی آن نسبت به خشونت‌های روستایی دانست. دومین خصوصیت خشونت شهری، شدت این خشونت است که به‌ویژه در قالب خشونت خانوادگی، فیزیکی، جنسی و غیرفیزیکی علیه زنان و کودکان به‌دلیل وجود اشکال بیمارگونه نظیر اعتیاد مشاهده می‌شود.

در روستاها به‌دلیل وجود شبکه‌های دوستان و همسایگان گرایش‌های بیمارگونه بسیار زودتر کنترل و مهار می‌شوند و بدین‌ترتیب می‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد، درحالی‌که در شهرها نبود یا کمبود همبستگی‌های فردی امکان خشونت را افزایش می‌دهد.

سومین خشونت شهری در تبلور آن به‌ویژه در پدیده خشونت خیابانی است. منظور از این نوع خشونت، اعمال عموماً مخرب و جنایتکارانه دسته‌های بزهکار خیابانی یا گنگ‌هاست که شامل دزدی، تخریب اموال عمومی، شعارنویسی، سرقت‌های کوچک، آزار رساندن به مردم و... می‌شود.

این پدیده هر چند امروز تا اندازه‌ای کنترل شده اما هنوز هم یکی از مهم‌ترین معضلات شهرهای بزرگ و شکل غالب و اصلی تبلور خشونت‌های شهری به‌حساب می‌آید. گنگ‌ها یا دسته‌های بزهکار شهری عموماً متشکل از گروه‌های دوستان جوان یا نوجوان مرکز هستند که گرده‌آمده‌شان به آنها نوعی هویت گروهی می‌دهد.

گنگ‌ها در واقع نوعی نبود یا ضعف هویت‌ها و تعلق‌های خانوادگی را جبران می‌کنند. گنگ‌ها دارای جنبه آموزشی (البته اغلب در مهارت‌های منفی و مخرب) هستند. آنها همچنین دارای پهنه‌های جغرافیایی خاصی هستند که از آنها حفاظت می‌کنند و با خشونت

مانع هرگونه تمایل دسته‌های دیگر به ورود به حریم خود می‌شوند. گنگ‌ها عموماً دارای رهبر هستند.

پسران جوان با علاقه‌مندی به اینگونه گنگ‌ها وارد می‌شوند، زیرا آنها همانگونه که گفته شد احساس تعلق یافتن به یک «خانواده واقعی» و «قدرتمند» را القا می‌کنند. مطالعات اجتماعی متعددی نشان داده‌اند که ورود و باقی ماندن در گنگ‌ها به دلیل مشکلات اجتماعی و فرهنگی است.

نوجوانانی که دارای خانواده‌های ازهم پاشیده و فقرزده بوده‌اند و اغلب خود قربانی خشونت‌های درون خانوادگی و تحقیر اجتماعی هستند، چهره مثبتی را در فروشندگان خرده‌پای موادمخدر در چارچوب گنگ‌ها می‌بینند، چون نمی‌توانند با خانواده و اجتماع روابطی انسانی‌تر و دوستانه برقرار کنند و مورد احترام قرار گیرند. ورود به گنگ و شرکت در توزیع موادمخدر همچنین راهی سریع برای به دست آوردن پول و تأمین نیازهای ارضا نشده این دسته از نوجوانان است.

فضاهای ایجاد خشونت شهری

فضای خانوادگی

یکی از محل‌هایی که بیشترین خشونت‌ها درون آنها اتفاق می‌افتد، محیط خانواده است. این خشونت عموماً از پدر خانواده نشأت گرفته و علیه زن و فرزندان اعمال می‌شود. زنان بیشترین تعداد قربانیان در این‌گونه خشونت را تشکیل می‌دهند اما خشونت می‌تواند از سوی زن علیه فرزندان و یا میان خود فرزندان و عموماً به وسیله برادران بزرگ‌تر علیه فرزندان کوچک‌تر و یا علیه خواهران انجام بگیرد. عوامل بیمارگونه ناشی از زندگی شهری یا تقویت شده در محیط شهری (نظیر فقر، بیکاری، افسردگی و اضطراب و اعتیاد به موادمخدر) از دلایل عمده این نوع خشونت هستند.

فضای تحصیلی

دو نوع خشونت رایج در مدارس به چشم می‌خورد: نخست خشونتی که مسئولان عموماً در قالب‌های هنجاری، یعنی قوانین انضباطی، علیه دانش‌آموزان به کار می‌گیرند. این نوع از خشونت زیر فشار قوانین مدنی در سال‌های اخیر بسیار کاهش یافته است. دوم، خشونت در میان خود دانش‌آموزان و یا به وسیله دانش‌آموزان علیه کارکنان مدارس است که در سال‌های اخیر افزایش یافته همچنین می‌توان از نوع خشونت بیرونی نیز سخن گفت؛ به طوری که حمله‌های مسلحانه و کشتار دانش‌آموزان به وسیله دانش‌آموزان سابق یا افراد بیمار و افسرده، به حوادثی رایج در برخی از کشورها بدل شده است.

فضای کاری

در این حوزه نیز دو نوع خشونت دیده می‌شود: نخست خشونت کارفرمایان علیه کارکنان که در کشورهای توسعه یافته به دلیل رشد سندیکالیسم تا اندازه زیادی از میان رفته است. با وجود این، نوع خاصی از این خشونت که فشارهای جنسی کارفرمایان بر زنان کارگر و کارمند است در حال افزایش است. در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه هر دو شکل خشونت کارفرمایان علیه کارگران، به دلیل نبود یا کمبود آزادی و سندیکالیسم بسیار رایج است. دومین نوع خشونت در محیط‌های کاری، اعمال خشونت کارکنان علیه یکدیگر است که عموماً در قالب گروه‌های فشار و فساد گاه حتی در شکل شبکه‌های مافیایی کوچک و بزرگ به چشم می‌خورد.

فضای تنبیهی

زندان‌ها و اردوگاه‌ها همواره به دلیل منشأ و ذات تنبیهی خود از مراکزی بوده‌اند که بیشترین میزان خشونت را درون خود متمرکز کرده‌اند. اعمال خشونت از سوی مسئولان علیه زندانیان هنوز امری رایج در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به حساب می‌آید. واکنش نسبت به این اعمال به صورت شورش‌های خشونت‌آمیز و گاه در قالب اعتراض‌های مسالمت‌آمیز نظیر اعتصاب غذا و غیره مشاهده می‌شود. خشونت در میان زندانیان نیز پدیده‌ای بسیار رایج است. شبکه‌های فساد، توزیع موادمخدر و سوءاستفاده جنسی در زندان‌ها از آنها محیط‌هایی وحشت‌بار ساخته است که نام «مدرسه جنایت» را مدتهاست به‌عنوانی رایج برای آنها بدل کرده است زندان‌های آمریکا از این لحاظ رکورددار تمام جهان به حساب می‌آیند.

فضای خیابانی

وجود نقاط و پهنه‌های جغرافیایی «ناامن» و «خطرناک» رابطه‌ای مستقیم میان فضای شهری با پدیده خشونت نشان می‌دهد.

تقسیم‌بندی پیچاپیچ خیابان‌ها، فضاهای بسته و بدون ناظر و همسایه، فضاهای بایر و پرت افتاده، فضاهایی ذاتا مناسب را برای افزایش خشونت می‌سازند.

قالب‌های ظهور خشونت شهری

خشونت‌های فردی یا گروهی سازمان نیافته

فشارها و خشونت در محل کار، محل تحصیل، جنایت‌ها، شورش‌های خودانگیخته، خرابکاری‌ها و تخریب اموال عمومی از انواع خشونت‌های سازمان نیافته است.

اینگونه خشونت به چند صورت در شهرهای مدرن در سال‌های اخیر تشدید شده است. نخست به صورت بزهکاری‌های کوچک از جمله کیف‌زنی، سرقت خودرو، ضرب و شتم مهاجران، اقلیت‌ها و زنان و سپس در قالب خشونت در محیط‌های تحصیلی مانند نزاع‌های میان دانش‌آموزان، تهدید و ضرب و شتم معلمان، اخاذی و دزدی و سرانجام خشونت در قالب شورش‌های شهری که عموماً خود را به صورت حمله، غارت و به آتش کشیدن نمادهای قدرت یا ثروت نشان می‌دهد.

خشونت‌های گروهی یا سازمان یافته

عمدتاً به صورت شکل‌گیری گنگ‌های بزهکار و یا دسته‌های کوچک و بزرگ مافیایی خود را نشان می‌دهند و همانگونه که نشان داده است، امروزه در قالب یک نظام جهانی جنایت سازمان یافته تبلور یافته‌اند که محل اصلی اقداماتشان شهرها هستند. مهم‌ترین اعمال این گروه‌ها شامل قتل و ترور، قاچاق و توزیع انواع موادمخدر، تولید و توزیع کالاهای تقلبی، فروش قاچاق و اسلحه، تجارت اندام‌های انسانی، برده‌فروشی جدید، عملیات مختلف «#پولشویی» و... است.

خشونت خانوادگی

این نوع خشونت عمدتاً خشونت علیه زنان و کودکان را شامل می‌شود و می‌توان گفت در چند دهه اخیر گروهی از خشونت‌ها همچون خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های جنسی تقویت شده و ابعاد نگران‌کننده‌ای یافته است. همچنین مشارکت خانواده‌ها در فروش اعضای خود (عمدتاً کودکان) به شبکه‌های مافیایی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود.

علت‌های ایجاد خشونت

- 1 - فقر و شرایط نامساعد مادی و زندگی، بیکاری و نبود امکانات لازم برای پر کردن اوقات فراغت
- 2 - کمبود آموزش و نقصان در فرایندهای اجتماعی کردن کمبود چارچوب‌های مراقبت و رسیدگی خانوادگی
- 3 - سوءاستفاده‌های فیزیکی
- 4 - انباشت‌های جمعیتی، کمبود فضاهای زیستی، همجواری‌های نامطلوب و درهم ریختگی بافت‌ها و ارزش‌های اجتماعی
- 5 - تعارض‌های طبقاتی، قومی، جنسی، سنی و فرهنگی
- 6 - کمبود یا نقصان فرایندهای شکل‌گیری هویت و تعلق اجتماعی
- 7 - عارضه و بیماری‌های روانی و جسمانی، اعتیاد به موادمخدر و الکل
- 8 - طراحی ناصحیح شهری، مسکن‌های نامناسب، افسردگی ناشی از زیست در محیط‌های خشک و سرد، شهرک‌های خوابگاهی، کمبود فضاهای درونی، آلودگی‌های صوتی و زیست‌بومی که سلامت جسمانی و روانی افراد را تهدید می‌کند.
- 9 - اضطراب‌های ناشی از شرایط سخت کار و ناپایداری، عدم امنیت شغلی و شکنندگی شرایط زندگی
- 10 - سوءاستفاده از قدرت در نهادهای رسمی و در نتیجه بی‌اعتمادی به نهادهای قانونی، دادگاه‌ها و پلیس.